

تأثیر سازوکارهای حاکمیت و راهبری سازمانی بر نرخ مؤثر منابع مالیاتی با توجه به نقش چرخه عمر و میزان نقدشوندگی دارایی‌ها^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۷

مهران قاسمیان^۲، تقی ترابی^۳، رویا دارابی^۴

از صفحه ۱۹۵ تا ۲۱۶

چکیده

زمینه و هدف: نرخ مؤثر منابع مالیاتی از سنجه‌های اثربخشی نظام مالیاتی است و هدف این پژوهش، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی، چرخه عمر و نقدشوندگی بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها است.

روش‌شناسی: این پژوهش، کاربردی، توصیفی از نوع هم‌بستگی است. در این پژوهش، نرخ مؤثر منابع مالیاتی متغیر وابسته است که توسط سنجه‌های مختلف حاکمیت شرکتی به‌عنوان متغیرهای مستقل پیش‌بینی می‌شود. این سنجه‌ها عبارتند از درصد اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، وجود یا عدم وجود حساب‌سازان داخلی در شرکت و درصد مالکیت مدیریتی. همچنین نقش متغیرهای چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۰ است؛ از این شرکت‌ها ۱۰۰ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند که با استفاده از مدل رگرسیونی مقطعی - زمانی (داده‌های تابلویی) با اثرات ثابت و با استفاده از نرم‌افزار E-views آزمون شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌ها، رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی وجود حساب‌ساز داخلی، چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی و رابطه منفی و معنادار بین مالکیت مدیریتی و نرخ مؤثر مالیاتی نشان می‌دهند؛ ولی تأثیر درصد اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی معنی‌دار نیست.

نتیجه‌گیری: مقامات مالیاتی برای پیش‌بینی نرخ مؤثر منابع مالیاتی هر شرکت به درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، وجود حساب‌سازان داخلی، چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی‌ها توجه ویژه کنند؛ چرا که این متغیرها تأثیر معناداری را نشان داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، نرخ مؤثر منابع مالیاتی، چرخه عمر، نقدشوندگی.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی می‌باشد.
^۲ دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، دبی، امارات متحده عربی ghasemiyanehran@gmail.com
^۳ استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول) t-torabi@srbiau.ac.ir
^۴ دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. Royadarabi110@yahoo.com

مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به‌عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند (فاما و جنسن^۱، ۱۹۸۳). با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌شود و به‌طور بالقوه این امکان به‌وجود می‌آید که مدیران اقداماتی در جهت منافع خویش انجام دهند و ضرورت ندانند اقدامات انجام گرفته در جهت منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان باشد که به آن، مسئله نمایندگی گفته می‌شود. اقداماتی که گاهی موجب می‌شود که سود حسابداری گزارش شده در صورت سود و زیان شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق با قوانین مالیاتی تفاوت داشته باشد و موجبات تفاوت نرخ قانونی مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی را نیز فراهم آورد. در این میان، یکی از ذی‌نفعان اصلی شرکت‌ها، دولت است که بخش عمده‌ای از منابع درآمدی خود را از طریق وصول مالیات تأمین می‌کند. درآمد مالیاتی نقش به‌سزایی در تأمین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند که دولت در راستای شکوفایی، رشد و رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری کند (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳).

نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارایی مالیاتی است که عبارتست از نرخی واحد که بر اساس آن از فعالیت‌های مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود. به‌عبارت دیگر، این نرخ از تقسیم مالیات بخش مورد نظر بر پایه درآمد آن بخش حاصل می‌شود (آقایی، ۱۳۸۰). در این راستا دولت که یکی از ذی‌نفعان شرکت‌هاست، برای تشخیص مالیات بر اظهارنامه‌های مالیاتی تکیه می‌کند که مؤدیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌کنند (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). با این وجود، نبود کارایی لازم در اداره شرکت‌ها و شفاف نبودن اطلاعات ارائه‌شده شرکت‌ها موجب تضییع بخشی از حقوق سایر ذی‌نفعان می‌شود. این در حالی است که پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است؛ این برنامه‌ها می‌توانند دامنه‌ای از سیاست‌های محافظه کارانه مالیاتی را پوشش دهند.

۱- Fama, E. F. & Jensen

از طرفی طبق نظریه چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای رفتارهای خاصی هستند و در دوره‌های مختلف عمر شرکت‌ها رابطه نقدشوندگی دارایی‌ها نیز می‌تواند متفاوت باشد (محبی و همکاران، ۱۳۹۴). چه آن‌که نقدشوندگی از جمله خصیصه‌های اصلی و از فاکتورهای ریز ساختار بازار بوده که سرمایه افراد را تهدید کرده و تأثیر مقدماتی و اولیه‌ای بر بازده دارایی‌ها داشته و نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ایفا می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود، چرخه عمر و میزان نقدشوندگی محرکی نیرومند در هدایت سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها باشند که از مجرای حاکمیت شرکتی تبیین می‌شوند. اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است به کاهش قیمت سهام و ارزش شرکت از یک‌سو و افزایش جریان‌های نقدی شرکت از سوی دیگر منجر شود؛ بنابراین ایجاد توازن بین این دو تعیین‌کننده راهبرد شرکت است (شاکلفورد و شولین^۱، ۲۰۰۱). در این راستا، حاکمیت شرکتی که در برگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است، یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی است و ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن هدف‌های بنگاه تنظیم و وسایل دستیابی به هدف‌ها و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. این نظام، انگیزه لازم برای تحقق اهداف بنگاه را در مدیریت ایجاد کرده و زمینه نظارت مؤثر را ایجاد می‌کند و به دنبال دستیابی به شیوه‌هایی است که بر اساس آن، تأمین‌کنندگان مالی، اطمینان حاصل کنند که از سرمایه‌گذاری خود در شرکت بازده مناسبی را دریافت خواهند کرد (لوئیس^۲، ۲۰۰۵).

این پژوهش به بررسی تأثیر سازوکارهای مختلف حاکمیت شرکتی بر نرخ مؤثر مالیاتی با توجه به نقش مؤثر چرخه عمر و میزان نقدشوندگی می‌پردازد و در پی پاسخ به این سؤالات است که آیا بین ساختار حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؟ و نقش نقدشوندگی دارایی‌ها و چرخه عمر بر رابطه میان سازوکارهای مختلف حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی چگونه است؟

۱- Shackelford, D. A. & Shevlin

۲- Lewis, ۲۰۰۵

مبانی نظری: نرخ مؤثر منابع مالیاتی؛ در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. نرخ واحدی که بر اساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود را نرخ مؤثر مالیاتی می‌نامند. به عبارت دیگر، نرخ مؤثر مالیاتی از تقسیم مالیات بخش مورد نظر بر پایه درآمد آن بخش حاصل می‌شود. این نرخ را می‌توان برای بخش‌هایی نظیر مشاغل، اشخاص حقیقی و حقوقی محاسبه کرد، اما محدودیت اطلاعات، برآورد نرخ مؤثر مالیاتی در بخش‌ها را دشوار می‌کند. علاوه بر این، حتی برآورد دقیق و واقعی مالیات به دلیل موجود نبودن اطلاعات گرچه ناممکن نیست، اما بسیار دشوار و هزینه‌بر است. در این مطالعه با توجه به وجود این مشکلات تلاش می‌شود تنها به برآورد نرخ مؤثر مالیاتی که نزدیک به واقعیت باشد اکتفا کرد. نرخ مؤثر مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای هدایت سرمایه استفاده شود و می‌توان با کاهش یا افزایش آن، رفتار سرمایه‌گذار را در جهت سیاست‌های کلان دولت هدایت کرد.

از گذشته تاکنون مدیران در پی کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی در بلندمدت، در راستای مدیریت مالیات بوده‌اند. چنانچه مدیر بتواند نرخ مؤثر مالیات را در بلندمدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت کرده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت؛ زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد. همچنین، نرخ‌های مؤثر مالیاتی شرکت‌ها، اغلب توسط سیاست‌گذاران و گروه‌های ذینفع به عنوان ابزاری برای نتیجه‌گیری پیرامون نظام‌های مالیاتی شرکت‌های مختلف استفاده می‌شود.

برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی، روش‌های مختلفی وجود دارد که با توجه به سطح دسترسی به داده‌های آماری به انواع مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند. در ساده‌ترین روش، نرخ مؤثر مالیاتی از تقسیم میزان مالیات وصول شده در هر سال بر پایه مالیاتی برآورد شده هر منبع به دست می‌آید. بر این اساس، نرخ مؤثر مالیاتی از نرخ قانونی متفاوت خواهد بود. دلیل این امر نیز وجود انواع معافیت‌های مالیاتی یا تمکین ناقص مالیاتی (به دلیل فرار یا اجتناب مالیاتی) از سوی مؤدیان مالیاتی است.

- **حاکمیت و راهبری شرکتی:** حاکمیت و راهبری شرکتی، به مجموعه فرایندها، نظام‌ها، سیاست‌ها، قوانین و نهادهایی گفته می‌شود که بر روش یک شرکت از نظر اداره، راهبری یا کنترل تأثیر بگذارد. حاکمیت شرکتی هم‌چنین روابط بین کنش‌گران متعدد (ذی‌نفعان) و هدف‌هایی را که بر اساس آنها شرکت اداره می‌شود را در بر می‌گیرد. کنش‌گران اصلی، مدیریت عامل، سهام‌داران و هیئت‌مدیره هستند. سایر ذی‌نفعان عبارتند از کارمندان، عرضه‌کنندگان کالا، مشتریان، بان‌کها و سایر وام‌دهندگان، قانون‌گذاران، محیط و به‌طور کلی جامعه. حاکمیت شرکتی، موضوعی چندبعدی است. یکی از درونمایه‌های مهم در حاکمیت شرکتی با حسابداری و مدیریت مالی سروکار دارد و به‌گونه‌ای اصولی از به‌کارگیری سیاست‌ها و سازوکارهایی حمایت می‌کند که از رفتار درست اطمینان حاصل کرده، سهام‌داران را پشتیبانی کند. یک عنصر اصلی دیگر، دیدگاه کارایی اقتصادی است که نظام حاکمیت شرکتی از راه آن باید هدف‌های اقتصادی را با در نظر گرفتن دقیق ثروت سهام‌داران، بهبود بخشد. دیدگاه‌های دیگری هم در زمینه حاکمیت شرکتی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به دیدگاه ذی‌نفعان اشاره کرد که حسابرسی و توجه بیشتری را به ذی‌نفعان طلب می‌کند (زیمرلی^۱، ۲۰۰۷).

ترویج و ارتقای حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند برای شرکت‌های تجاری جهان امروز، بسیار مثمر ثمر باشد. برای درک بهتر مفهوم حاکمیت شرکتی، می‌توان از دو دیدگاه کلان (کل‌گرا) و خرد (جزء‌گرا) آن را تشریح کرد. از دیدگاه خرد، حاکمیت شرکتی دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره آن، سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان است. این روابط که قوانین و محرک‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرد، ساختار را از راه هدف‌های تعیین‌شده و وسایل رسیدن به آن هدف‌ها و نظارت بر اجرا شکل می‌دهد؛ بنابراین، اصول اولیه حاکمیت شرکتی، عبارتند از شفافیت ساختارها و عملیات شرکتی، مسئولیت‌پذیری مدیران و اعضای هیئت‌مدیره نسبت به سهام‌داران و مسئولیت شرکت نسبت به کارمندان، وام‌دهندگان، عرضه‌کنندگان کالا و جوامع محلی که شرکت در آن‌جا فعالیت دارد (علی‌پناه، ۱۳۹۲). از دیدگاه کلان،

۱- Zimmerli, W. C.

حاکمیت شرکتی مناسب - یعنی مقداری که شرکت‌ها در یک فضای باز و صادقانه اداره می‌شوند- برای جلب اعتماد بازار، کارآمدی سرمایه، تجدید ساختارهای صنعتی کشورها و در نهایت ثروت عمومی جامعه دارای اهمیت است (زیمرلی، ۲۰۰۷).

- **چرخه عمر:** در اقتصاد و مدیریت، چرخه عمر شرکت‌ها و مؤسسات به مرحله‌ای تقسیم می‌شود. در ادبیات این علوم برای چرخه عمر مدلهایی با چند مرحله ارائه شده است که در چارچوب این مدل‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها با توجه به هر مرحله از حیات اقتصادی خود سیاست و خط مشی مشخصی را دنبال می‌کنند. این سیاست‌ها به‌گونه‌ای در اطلاعات حسابداری شرکت‌ها منعکس می‌شود مراحل مختلف چرخه عمر شرکت شامل ظهور، رشد، بلوغ، و افول می‌باشد (دی آنجلوو همکاران^۱، ۲۰۰۶).

نظریه چرخه عمر شرکت چنین فرض می‌کند که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، هم‌چون تمامی موجودات زنده که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند، دارای منحنی عمر یا چرخه عمر هستند. طبق این نظریه، شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی هستند، بدین معنی که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد (کرمی و عمرانی، ۱۳۸۹).

همانند موجودات زنده، رشد و پیری واحدهای تجاری را در آغاز، با ارتباط بین انعطاف‌پذیری و کنترل نشان می‌دهند. در جوانی، بنگاه‌ها بسیار انعطاف‌پذیر، ولی در اکثر مواقع کنترل‌ناپذیر هستند. با پیر شدن بنگاه‌ها، روابط تغییر می‌کند. کنترل، افزایش و انعطاف‌پذیری، کاهش می‌یابد. از طرف دیگر نهایتاً ادامه پیر شدن با از دست رفتن قابلیت کنترل نیز همراه خواهد بود؛ بنابراین طول و گذر عمر، دلایل رشد و پیری نیستند، شرکت‌های بزرگی با عمر طولانی وجود دارند که پیر یا جوان محسوب می‌شوند. آن‌چه که باعث رشد و پیری بنگاه‌هاست، طول و گذر عمر نیست. جوان به این معنی است که بنگاه به آسانی تغییر می‌کند، از طرف دیگر به‌خاطر نبود امکان پیش‌بینی در پایین‌ترین سطح کنترلی هم قرار دارد. پیر به معنی کنترل‌پذیری رفتار

^۱- DeAngelo, H. et al.

است. در حالی که انعطافی وجود نداشته و تمایلی هم به تغییر وجود ندارد. هنگامی که واحد تجاری قابلیت انعطاف داشته و کنترل پذیر است، نشان می‌دهد که زیاد جوان یا پیر نبوده و توأمان مزایای جوانی را داراست. این وضعیت به دوره تکامل شناخته می‌شود. چنین واحدی می‌تواند جهت را تغییر داده و این تغییر را همان طوری که می‌خواهد پیش ببرد و آنچه را که مایل به انجامش است تحت کنترل درآورد. به هرحال با رشد و پیر شدن شرکت‌ها کمبود و کاستی‌هایی که منجر به انعطاف‌پذیری شده است، باعث خودکنترلی می‌شود. بدین منظور می‌بایست به دنبال مهیاسازی شرایطی باشد که رشد یا جوانی در آن تثبیت شده، به گونه‌ای که واحد تجاری را به تکامل رسانیده و در آن دوره حفظ کند (دهدار، ۱۳۸۶).

- **نقدشوندگی دارایی‌ها:** مفهوم نقدشوندگی یکی از موضوعات مهم در حوزه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری است. نقدشوندگی در کنار بازدهی و ریسک از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت سهام یک شرکت می‌باشد. بین نقدشوندگی دارایی‌های واقعی شرکت و نقدشوندگی سهام آن رابطه وجود دارد. یک شرکت اگر نسبت بالایی از دارایی‌های نقدی هم‌چون وجوه نقد در ترازنامه‌اش داشته باشد، نقدشونده محسوب می‌شود. از آن جا که سهام یک شرکت ادعایی بر دارایی‌های واقعی اساسی آن است، می‌توان نتیجه گرفت که نقدشوندگی سهام شرکت باید انعکاسی از نقدشوندگی دارایی‌های اساسی آن باشد؛ از این رو انتظار می‌رود که نقدشوندگی سهام شرکت رابطه‌ای مثبت با نقدشوندگی دارایی‌های آن داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

نقدشوندگی یک دارایی در ساده‌ترین تعریف، توانایی بازار برای جذب حجم کلان معاملات بدون ایجاد نوسان‌های شدید در قیمت، تعریف می‌شود. برای این که یک دارایی از نقدشوندگی برخوردار باشد، وجود یک بازار نقدشونده برای آن دارایی ضروری است. بازارهای نقد شونده به خاطر ایجاد برخی مزایا، مانند تخصیص بهتر و کارایی اطلاعاتی، مطلوب تلقی می‌شوند. منظور از نقدشوندگی، صرفاً سهولت در خرید و فروش دارایی مورد نظر است (زیوداری، ۱۳۸۴).

نقدشوندگی دارایی‌ها توان تأدیه تعهدات شرکت را افزایش و امکان مدیریت بهینه سرمایه در گردش را فراهم می‌کند. برخی از محققان مدیریت مالی صرفاً وجه نقد و

اوراق کوتاه مدت قابل فروش را مورد توجه قرار می دهند، برخی دیگر کلیه دارایی های جاری اعم از دارایی های کاملاً نقد یا شبه نقد و دارایی های که نقد نیستند ولی قابلیت نقد شدن در دوره های کوتاه مدت را دارند در تعیین وضعیت نقدینگی مؤثر می دانند. سایر محققان علاوه بر کلیه دارایی های جاری، همه امکانات و دارایی های شرکت را تعیین کننده وضعیت نقدینگی می دانند (احمدپور و باغبان، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش: چن و زولوتوی^۱ (۲۰۱۴)، در مطالعه خود نشان می دهد تأثیر نقدشوندگی سهام بر دنباله پایینی توزیع اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت هایی که دچار محدودیت های مالی هستند، کمتر است. این نتایج تأییدکننده دیدگاه بازخورد مثبت است. هم چنین تأثیر نقدشوندگی سهام بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت هایی که از سازوکار حاکمیت شرکتی قوی تری برخوردارند، کمتر است؛ بنابراین نقدشوندگی سهام از طریق بازخورد مثبت بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت ها مؤثر واقع می شود.

آرمسترانگ و همکارانش^۲ (۲۰۱۳)، نشان دادند حاکمیت شرکتی به تعدیل سیاست های اجتناب از پرداخت مالیات منجر می شود. به بیان دیگر، افزایش نظارت بر عملکرد شرکت از طریق سهامداران عمده، سطوح پایین اجتناب از پرداخت مالیات (سیاست های محافظه کارانه) را افزایش داده و سطوح بالای اجتناب از پرداخت مالیات (سیاست های متهورانه) را کاهش می دهد. این نتایج هم چنین نشان می دهد نقدشوندگی سهام، عاملی بازدارنده در استفاده مدیریت از برنامه های مالیاتی بیش از حد متهورانه یا بیش از حد محافظه کارانه است.

مک گوایر و همکاران^۳ (۲۰۱۲)، به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها پرداختند. نتایج پژوهش آن ها بیانگر آن است که زمانی که مؤسسات حسابرسی متخصص مالیاتی باشند مشتریان آنها که خدمات مالیاتی را از این مؤسسات دریافت می کنند بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی هستند. از سوی دیگر، نتایج

۱- Chen, Y. & Zolotoy, L.

۲- Armstrong, C. et al.

۳- McGuire, S. et al.

حاکمی از آن بود شرکت‌هایی که مؤسسات حسابرسی آن‌ها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب مالیاتی بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها هستند.

هوین و نوگا^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند شرکت‌هایی که خدمات مالیاتی را از حسابرس دریافت می‌کنند دارای صرفه‌جویی مالیاتی بیشتری هستند. نتایج این پژوهش از مفهوم انتقال دانش حمایت می‌کند و بیان می‌کند که دانش ایجادشده از ارائه خدمات غیرحسابرسی به حسابرسی صورت‌های مالی کمک می‌کند و بالعکس.

ساتوری^۲ (۲۰۰۸)، نشان داد که واکنش بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل است. در واقع از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدهای مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به راهبردهای مالیاتی (از دیدگاه شرکت)، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در ایجاد حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

ریچاردسون و لانیس^۳ (۲۰۰۷)، به بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر تغییرات نرخ مؤثر مالیات، قبل و بعد از اصلاحیه مالیاتی در استرالیا پرداختند. یافته‌های آنها حاکی از آن بود که بین چند عامل عمده از ویژگی‌های شرکت (شامل اندازه شرکت، ساختار سرمایه، ترکیب دارایی‌ها و هزینه پژوهش و توسعه) با نرخ مؤثر مالیات، رابطه معنادار وجود دارد.

دسائی^۴ (۲۰۰۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که نرخ‌های مالیاتی بالا، به بدتر شدن نظام‌های حاکمیت شرکتی منجر می‌شود و برعکس، نرخ‌های پایین مالیاتی سبب بهبود نظام‌های حاکمیت شرکتی شده، افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین نقدشوندگی سهام و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اهمیت حاکمیت شرکتی و محدودیت‌های مالی پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که بین نقدشوندگی سهام و اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط

۱- Hogan, B. & Noga, T.

۲- Satori, N.

۳- Richardson, G. & Lanis, R.

۴- Desai, M. & Dharmapala, D.

معناداری وجود دارد. ارتباطی که در شرکت‌های با محدودیت‌های مالی بیشتر قوی‌تر از شرکت‌های با محدودیت‌های مالی کمتر است. همچنین این تأثیر در شرکت‌هایی که در سطوح پایین حاکمیت شرکتی قرار دارند، تقویت می‌شود.

محبی و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه خود به آزمون اثر چرخه عمر بر رابطه بین نقدشوندگی دارایی‌ها و اهرم مالی در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۹۱-۱۳۸۵ پرداخته و نتایج آنها حاکی از آن است که تأثیر نقدشوندگی دارایی‌ها بر اهرم مالی در دوره‌های مختلف عمر شرکت‌ها تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارد؛ به‌گونه‌ای که در دوران افول شرکت‌ها میزان نقدشوندگی دارایی‌ها اثر معکوس و معنی‌داری بر اهرم مالی داشته و با افزایش نقدشوندگی از اهرم مالی و میزان تأمین مالی برون سازمانی شرکت‌ها کاسته می‌شود.

گلستانی و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج آنها حاکی از رابطه منفی و معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و سیاست تقسیم سود است. در واقع، شرکت‌ها با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی به‌طور قابل توجهی سود تقسیمی خود را کاهش می‌دهند، همچنین رابطه مثبت و معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی و بازده آتی سهام وجود دارد.

کرمی و عمرانی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد و نیز توان توضیحی افزایش معیارهای ریسک در مراحل مختلف چرخه عمر تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. همچنین نتایج بیانگر این است که توان توضیحی فزاینده معیارهای ریسک در مرحله رشد، دارای بیشترین مقدار و در مرحله بلوغ دارای کمترین مقدار است.

مدل مفهومی

مدل مورد بررسی برای آزمون تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، چرخه عمر و نقدشوندگی بر نرخ مؤثر منابع مالیاتی به‌صورت زیر است:

$$ERT = \alpha + \beta_1(NED) + \beta_2(INS) + \beta_3(INAUDIT) + \beta_4(MAN) + \beta_5(LC) + \beta_6(IHQ) + \varepsilon_0$$

که در آن،

ERT نرخ مؤثر منابع مالیاتی، NED درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره، INS درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، INAUDIT نشان‌دهنده وجود یا عدم وجود حسابرسان داخلی در شرکت، MAN درصد مالکیت مدیریتی، LC نشان‌دهنده چرخه عمر و IHQ نماینده نقدشوندگی دارایی‌های شرکت هستند.

در این مطالعه، حاکمیت شرکتی بر اساس معیارهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد (حساس یگانه، یزدانیان، ۱۳۸۸).

- درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره (NED): درصد اعضای غیرموظف به کل تعداد هیئت مدیره؛
- درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی (INS): درصد سهام نگهداری شده به وسیله سهامداران نهادی به کل سهام منتشر شده و در دست سهامداران.
- وجود (عدم وجود) حسابرسان داخلی در شرکت (INAUDIT): چنانچه شرکتی دارای حسابرس داخلی در سال مورد بررسی باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.
- درصد مالکیت مدیریتی (MAN): درصد سهام نگهداری شده به وسیله اعضای هیئت مدیره و خانواده آنها.
- نرخ مؤثر مالیاتی (RET): نرخ مؤثر مالیاتی نسبت درآمد پیش از کسر مالیات بر هزینه مالیات سالانه است.
- چرخه عمر: سال‌های تأسیس شرکت به عنوان چرخه عمر در نظر گرفته شده است.
- نقدشوندگی دارایی‌ها: برای نقدشوندگی دارایی‌ها نیز معیار زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد (احمدپور و باغبان، ۱۳۹۳):

نقدشوندگی موزون دارایی‌ها: (به دارایی‌های نقد و معادل نقد عدد یک و به دیگر دارایی‌ها عدد صفر اختصاص می‌یابد)

$$= \text{WAL-}i,t \frac{\text{Cash \& Equivalent}i,t}{\text{Total Assets}i,t} \times 1 + \frac{\text{Other Assets}i,t}{\text{Total Assets}i,t-1} \times 0$$

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت از نوع توصیفی هم‌بستگی است که از شیوه بررسی اسناد و مدارک استفاده می‌کند و هم‌بستگی متغیرهای مستقل و وابسته را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این پژوهش برای انجام رگرسیون ترکیبی و بررسی رابطه هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش از روش پنل و از نرم‌افزار E-views بهره گرفته می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره پنج ساله از سال ۹۴-۱۳۹۰ تشکیل می‌دهد که از این تعداد ۱۰۰ شرکت به‌عنوان نمونه آماری و بر اساس روش گزینش منطقی بر مبنای معیارهای زیر انتخاب شده است:

- ۱- این که اطلاعات کامل و تفصیلی صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها، و قیمت سهم در پایان سال مربوط در تابلوی بورس تهران در دوره پنج ساله مورد بررسی، یعنی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ موجود باشد.
- ۲- شرکت حداقل تا یک سال قبل از دوره بررسی وارد بورس شده باشد.
- ۳- شرکت جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشد
- ۴- سال مالی شرکت منتهی به اسفند ماه باشد.
- ۵- شرکت زیانده نباشد.

یافته‌های پژوهش

- نتایج آزمون ریشه واحد

با توجه به هدف اصلی این مطالعه مبنی بر بررسی رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی و تعیین نقش چرخه عمر و نقدشوندگی بر این رابطه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، این بخش به ارائه نتایج به‌دست‌آمده می‌پردازد؛ بدین منظور، بررسی مانایی متغیرهای پژوهش از طریق چهار روش که به‌عنوان مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد با داده‌های پنلی شناخته شده‌اند، صورت گرفته است. این روش‌ها عبارتند از آزمون لوین، لین و چو (LLC)، آزمون ایم، پسران و شین (IPS)، آزمون‌های فیشر (ADF) و آزمون فیشر PP. نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون‌های ریشه واحد برای متغیرهای مدل در سطح

PP-Fisher Chi-Square	ADF-fisher Chi-square	Im, Pesaran and Shin W- stat	Levin, lin cho- stat	روش آزمون متغیرها
۱۶۱۵/۲۶ (۰/۰۰۰)	۱۴۳۳/۳۴ (۰/۰۰۰)	-۱۵۶۱/۶۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۰۱ (۰/۰۰۵۹)	ERT
۱۱۲۷/۲۲ (۰/۰۰۰)	۹۵۰/۵۲۰ (۰/۰۰۰)	-۱۳۸۶/۶۸ (۰/۰۰۰)	-۱۸۳۹۷/۹ (۰/۰۰۰)	TG
۹۷۱/۲۳۶ (۰/۰۰۰)	۸۲۶/۹۴۷ (۰/۰۰۰)	-۲۸۷۷/۵۶ (۰/۰۰۰)	-۶۷۵۲/۸۲ (۰/۰۰۰)	NED
۱۱۰۱/۰۸ (۰/۰۰۰)	۹۵۴/۷۶۷ (۰/۰۰۰)	-۱۳۷۳/۴۸ (۰/۰۰۰)	-۱۹۲۷۶/۲ (۰/۰۰۰)	INS
۹۶۸/۸۵۳ (۰/۰۰۰)	۷۰۵/۰۳۹ (۰/۰۴۲)	-۹/۵۳۵۸ (۰/۰۰۰)	-۵۵/۴۷۷۷ (۰/۰۰۰)	INAUDIT
۸۴۵/۶۸۴ (۰/۰۰۰)	۷۳۰/۵۰۰ (۰/۰۰۰)	-۱۷۱/۷۵۲ (۰/۰۰۰)	-۲۶۶۰/۷۷ (۰/۰۰۰)	MAN
۱۰۳۸/۷۹ (۰/۰۰۰)	۸۲۱/۶۶۷ (۰/۰۰۰)	-۱۰/۱۸۵۲ (۰/۰۰۰)	-۵۴/۷۲۱۴ (۰/۰۰۰)	LC
۱۰۳۵/۹۱ (۰/۰۰۰)	۸۶۶/۱۸۵ (۰/۰۰۰)	-۴۳/۳۴ (۰/۰۰۰)	-۳۷۷/۷۴۲ (۰/۰۰۰)	IIQ

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول شماره یک می‌توان گفت که کلیه متغیرها در سطح مانا

هستند.

- نتایج آزمون مدل‌ها

پس از تأیید مانایی متغیرها، برای بررسی این که کدام یک از مدل‌های ترکیبی^۱ یا تابلویی^۲ برای برآورد مدل‌های رگرسیونی پژوهش مناسب است، از آزمون F لیمر استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در ردیف اول جدول شماره دو نشان داده شده است. چون سطح معنی‌داری آزمون F لیمر برای مدل کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر این آزمون رد می‌شود؛ بنابراین این آزمون نشان می‌دهد که مدل تابلویی برای برآورد مدل مورد نظر مناسب است. در مدل برآورد با داده‌های پانلی نیز دو روش، برآورد با مدل اثرات ثابت یا اثرات تصادفی وجود دارد که برای تعیین این که برای برآورد پارامترهای مدل، از کدام مدل استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتیجه آزمون هاسمن برای گزینش بین اثرات ثابت و تصادفی مدل در ردیف دوم جدول شماره دو آورده شده است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون هاسمن برای مدل کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر مبنی بر مناسب بودن اثرات تصادفی در مدل اول رد می‌شود و برای برآورد مدل رگرسیونی از روش پانلی با اثرات ثابت استفاده می‌شود.

جدول شماره ۲: آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

آزمون اثر ثابت	آماره F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
Cross-section F	۱/۱۱۵۶	۸۳/۴۸۴	۰/۰۰۳۸	رد فرض صفر
Cross-section Chi-square	۴۷۴/۱۷۹۹	۸۳	۰/۰۰۵۴	آزمون F لیمر
آزمون هاسمن	آماره Chi-sq	Chi-Sq. d.f.	سطح معنی‌داری	رد فرض صفر
Cross-section random	۱۷۸/۰۷۶	۶	۰/۰۰۰	آزمون هاسمن

منبع: یافته‌های محقق

پس از تعیین انتخاب مدل پانلی با اثرات ثابت، به آزمون مدل پرداخته شده است. نتایج در جدول شماره سه ارائه شده است. آماره مربوط به ضریب تعیین برابر با ۰/۶۳ است و بیانگر این است که متغیرهای برآوردی مدل از توان توضیح‌دهندگی بیش از ۶۰ درصد برای توضیح متغیر وابسته (نرخ مؤثر مالیاتی) برخوردارند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده رابطه مثبت و معنی‌داری بین درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی وجود

۱- Pooled

۲- Panel

حسابرس داخلی، چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی با نرخ مؤثر مالیاتی و رابطه منفی و معنادار بین مالکیت مدیریتی و نرخ مؤثر مالیاتی وجود دارد؛ این در حالی است که درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی معنی دار نیست.

جدول شماره ۳: نتایج برآورد مدل اول

ERT (نرخ مؤثر مالیاتی)		متغیر وابسته
سطح معنی داری	ضریب	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۸۳	۱/۶۰	C
۰/۶۳۱۷	-۰/۰۱	NED
۰/۰۰۰۰	۰/۲۶۳۱	INS
۰/۰۰۳۴	۰/۱۹۷۴	INAUDIT
۰/۰۰۲۸	-۱/۸۶E-۰۶	MAN
۰/۰۰۷۱	۰/۳۱۷۷	LC
۰/۰۴۱۳	۰/۰۳۴	IIQ
۹/۶۹۳۳		F-statistic
۰/۰۰۰۰		سطح معنی داری
۱/۹۰		آماره دوربین واتسون
۰/۷۱۷۵		ضریب تعیین
۰/۶۴۳۵		ضریب تعیین تعدیل شده

منبع: یافته‌های محقق

بنابراین، بر اساس نتایج به دست آمده از مدل، رابطه مثبت و معنی داری بین درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، وجود حسابرس داخلی با نرخ مؤثر مالیاتی و رابطه منفی و معنادار بین مالکیت مدیریتی و نرخ مؤثر مالیاتی وجود دارد. بر اساس تخمین مدل، چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی دارای تأثیر مثبت و معنی داری بر نرخ مؤثر مالیاتی است؛ بر این اساس، نتایج این مطالعه به شرح زیر است:

- ۱- ضریب به دست آمده برای متغیر مربوط به درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی برابر با ۰/۲۶۳۱ است که از نظر آماری مثبت و معنی دار است.
- ۲- ضریب مربوط به متغیر درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره برابر با -۰/۰۱- است و از نظر آماری نیز معنی داری این متغیر تأیید نشده است.

۳- بر اساس نتایج به دست آمده، ضریب به دست آمده مربوط به تأثیر درصد مالکیت مدیریتی بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر با $0.06-1/86E$ است که مقداری منفی است. از نظر آماری نیز این ضریب معنی داری قابل توجهی دارد.

۴- بر اساس نتایج به دست آمده ضریب به دست آمده مربوط به متغیر وجود (عدم وجود) حساب‌برسان داخلی در شرکت برابر با 0.1974 است که معنی داری آن برابر با 0.034 و از نظر آماری قابل قبول است.

۵- بر اساس نتایج به دست آمده حاصل از تخمین مدل، ضریب به دست آمده مربوط به چرخه عمر شرکت برابر با 0.3177 است که معنی داری آن برابر با 0.071 و از نظر آماری قابل قبول است. این نتیجه نشان می‌دهد که چرخه عمر شرکت تأثیر معناداری بر نرخ مؤثر مالیاتی می‌گذارد. از آنجایی که هر یک از متغیرهای درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، درصد مالکیت مدیریتی و وجود (عدم وجود) حساب‌برسان داخلی نیز با وجود متغیر چرخه عمر اثر معناداری را بر نرخ مؤثر مالیاتی می‌گذارند، می‌توان گفت که چرخه عمر شرکت بر رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معنی داری دارد.

۶- بر اساس نتایج، ضریب به دست آمده مربوط به تأثیر نقدشوندگی دارایی‌ها بر نرخ مؤثر مالیاتی نیز برابر با 0.034 و از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. از آنجایی که در میان متغیرهای مورد بررسی به جز درصد اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره، سایر متغیرها اثر معنی داری را بر نرخ مؤثر مالیاتی ندارند، می‌توان گفت که تأثیر معنادار نقدشوندگی بر رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نرخ مؤثر مالیاتی و تعیین نقش چرخه عمر و نقدشوندگی بر رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی با نرخ مؤثر مالیاتی بوده است.

بر اساس نتایج به دست آمده، بین درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای منفی و معنی‌دار وجود دارد. نتیجه‌ای که برخلاف نتیجه مطالعه (رضایی و عظیمی، ۱۳۹۴) و هم‌سو با نتیجه مطالعه (کریستینا و تریسی^۱، ۲۰۱۰) است که نشان دادند هیئت‌مدیره مستقل دانش و تجربه خود در زمینه مدیریت مالیاتی را در اختیار مالکان شرکت‌ها قرار داده و درصدد سوق دادن منابع شرکت برای مدیریت مالیاتی جهت بهبود نتیجه نهایی عملکرد است.

از دیگر نتایج به دست آمده رابطه مثبت و معنی‌دار بین وجود حسابرس داخلی با نرخ مؤثر مالیاتی است. نتیجه‌ای که مؤید نتایج مطالعه دیدار و همکاران (۱۳۹۳) و مغایر با مبانی نظری حاکمیت شرکتی است. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت واحد حسابرسی داخلی در ایران هنوز در ابتدای راه قرار دارد و وظیفه خود را به درستی ایفا نمی‌کند.

نتیجه دیگر این مطالعه تأثیر مثبت و معنی‌دار چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی بر رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی است. بر اساس آنچه در ادبیات موضوع توضیح داده شده است، در نظر گرفتن چرخه عمر و همچنین نقدشوندگی به نوبه خود باعث می‌شود تا شرکت‌ها با توجه به شرایطی که در آن قرار دارند، سازوکارهای حاکمیت شرکتی را به سمتی سوق دهند تا با برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیمات اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند تا ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش یابد؛ از این رو با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود تا مدیران شرکت‌ها برای شناسایی فعالیت‌های مرتبط با مدیریت مالیاتی و اتخاذ تصمیم‌های صحیح در این زمینه به سازوکارهای حاکمیت شرکتی، چرخه عمر و نقدشوندگی دارایی توجه کنند.

پیشنهادها

در این پژوهش، برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی از روش کلان اقتصادی استفاده شده است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود از روش‌های دیگر هم‌چون روش خرد اقتصادی برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود این موضوع در صنایع مختلف به تفکیک صنعت خاص انجام شود و نوع صنعت نیز مورد بررسی قرار

^۱- Kristina, M. & Tracy, N.

گیرد. بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نرخ نهایی و نرخ متوسط مالیات نیز از دیگر موضوعات قابل بررسی در آینده به‌شمار خواهند آمد.

منابع

- ابراهیمی، محمود (۱۳۹۰). رابطه بین نقدشوندگی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. ۱۵، صص ۱۲۵-۱۴۳.
- احمدپور، احمد؛ باغبان، محسن (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین نقدشوندگی دارایی‌ها و نقدشوندگی سهام در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۶۱-۷۷.
- آقایی، اله‌محمد (۱۳۸۰). بررسی معافیت زیربخش‌های کشاورزی در نظام مالیاتی ایران. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- باباجانی، جعفر؛ عدی، مجید (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. دو فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، پاییز ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۳ (۵): ۶۵-۵۸.
- حساس یگانه، یحیی؛ یزدانیان، نرگس (۱۳۸۸). تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۷.
- حیدری، سیدعباس؛ فلاح شمس، میرفیض؛ هاشمی، نازنین (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ریسک نقدشوندگی و قیمت در بورس اوراق بهادار تهران. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره نهم.
- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ کفعمی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۴۳۰-۴۰۹.
- دهدار، فرهاد (۱۳۸۶). طراحی و تبیین الگوهای برتر ارزشگذاری مبتنی بر عایدات حسابداری و جریان وجوه نقد در فرآیند چرخه عمر شرکت. رساله دکتری حسابداری دانشگاه تربیت مدرس.
- رضایی، فرزین؛ عظیمی، آزاد (۱۳۹۴). رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها. پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵ (مسلول ۷۳).
- زیوداری، م. (۱۳۸۴). بررسی رابطه تجربی بین حجم معاملات، بازده سهام و نوسانات بازده در بورس و اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- علی‌پناه، صبری (۱۳۹۲). فناوری اطلاعات و راهبری شرکتی. پژوهش حسابداری، شماره ۸، صص ۲۷-۳۸.

- علیزاده، امیرخادم؛ حنجری، سارا؛ امینی، محمدعلی؛ رسائیان، امیر (۱۳۹۴). نقدشوندگی سهام و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اهمیت حاکمیت شرکتی و محدودیت‌های مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۴۶۱-۴۷۸.
- کرمی، غلامرضا؛ عمرانی، حامد (۱۳۸۹). تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳ (پیاپی ۵).
- گلستانی، شهرام؛ دلدار، مصطفی؛ سیدی، سیدجلال؛ جعفری شورچه، سیدحیب (۱۳۹۳). رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۷، صص ۲۰۴-۱۸۱.
- محبی، الهام؛ خسروانی، فاطمه؛ زیرک، سجاد؛ رهبر، مسعود (۱۳۹۴). آزمون اثر چرخه عمر شرکت‌ها بر رابطه بین نقدشوندگی دارایی‌ها و اهرم مالی در بورس اوراق بهادار تهران. ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع.
- Armstrong, C., Blouin, J., Jagonlizer, A. & Larcker, D. (۲۰۱۳). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. Rock Center for Corporate Governance working paper series.
- Chen, Y. & Zolotoy, L. (۲۰۱۴). Stock Liquidity and Corporate Tax-Avoidance: The Tale of Two Tails. Available at ssrn.com.
- DeAngelo, H., DeAngelo, L. and Stulz, R.M. (۲۰۰۶). Dividend Policy and the Earned/Contributed Capital Mix: A Test of the Life-Cycle Theory. *Journal of Financial Economics*, ۲, pp.۲۲۷-۲۵۴.
- Desai, M. & Dharmapala, D. (۲۰۰۶). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, ۷۹ (۱): ۱۴۵-۱۷۹.
- Fama, E. F. & Jensen, M. C. (۱۹۸۳). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, ۲۶ (۲): ۳۰۱-۳۲۵.
- Hogan, B., and T. Noga. (۲۰۱۰). "The Association between Changes in Auditor Provided Tax Services and Corporate Tax Avoidance" Working paper, Northeastern University and Bentley University.
- Kristina, M., Tracy, N. (۲۰۱۰), "Do corporate governance characteristics influence tax management?". *J. Corp. Fin.* ۱۶, pp.۷۰۳-۷۱۸.
- Lewis, M.K. (۲۰۰۵). Islamic Corporate Governance, *Review of Islamic Economics*, ۹(۱): ۵-۲۹.

- McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang. (۲۰۱۲). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, ۸۷ (۳): ۹۷۵-۱۰۰۳.
- Richardson, G., Lanis, R. (۲۰۰۷). Determinants of the variability in corporate effective tax rates and tax reform: Evidence from Australia. *Journal of Accounting and Public Policy*, ۲۶ (۶): ۶۸۹-۷۰۴.
- Satori, N. (۲۰۰۸). Effects of strategic tax behaviors on corporate governance. September ۱, university of Michigan. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۳۵۸۹۳۰> or <http://dx.doi.org/۱۰.۲۱۳۹/ssrn.۱۳۵۸۹۳۰>.
- Shackelford, D. A. & Shevlin, T. (۲۰۰۱). Empirical Tax Research in Accounting. *Journal of Accounting and Economics*, ۳۱, pp. ۳۱۲-۳۸۷.
- Zimmerli, W. C. Richter, K. & Holzinger, M. (۲۰۰۷) *Corporate Ethics and Corporate Governance*, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.